

بررسی آسیب‌های سند ۲۰۳۰ بر تربیت جنسی کودکان در اسلام

سودابه شورکی

چیکده

سند ۲۰۳۰ به عنوان یک سند بین‌المللی توسعه، در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید و اقدامات اجرایی آن به شکل قانونی ایجاد شد. این سند بین‌المللی برای پیگیری الگوهای توسعه در کشورهای در حال توسعه دارای یک سری اهداف و محورهایی می‌باشد که در ظاهر با هدف کمک به کشورها و حمایت از آنها تهیه شده است. اما جنبه پنهان این سند اهدافی از جمله وابستگی کشورهای در حال توسعه و از دست دادن استقلال فرهنگی، علمی و سیاسی آنهاست. این مقاله درصدد گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی و تحلیلی، به بررسی آسیب‌های سند ۲۰۳۰ بر تربیت جنسی کودکان در اسلام پرداخته است. آنچه که در این مقاله بیان می‌شود این است که، سند ۲۰۳۰ بر اساس ارزش‌های غربی تهیه شده و هیچ همخوانی با ارزش‌های اسلامی ندارد، و از نظمی ناعادلانه و تبعیض‌آمیز به نفع نظام سرمایه‌داری و کشورهای توسعه‌یافته پرداخته و در بعد مادی هیچ توجه‌ای به خانواده و جایگاه تحکیم آن در جامعه نپرداخته و فقط به جنبه پیشرفت فرد در حداکثر رفاه را مبنای خود قرار داده و همچنین در هدف پنجم این سند و اسناد پنهان آن بر مواردی چون آموزش جنسی به کودکان در کتب درسی و حذف برخی مفاهیم قرآنی و ارزشی از کتابهای درسی به بهانه ترویج صلح و خشونت و تساوی جنسیتی مورد تأکید قرار داده.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت جنسی، اسلام، سند ۲۰۳۰

مقدمه

مساله تربیت جنسی در سند ۲۰۳۰ از مسائل بسیار مهمی است که نقش جدی در تربیت نسل هایی است که میخواهند به سعادت و کمال دست یابند آنچه در سند توسعه پایدار از تساوی، برابری عدالت جنسیتی و امثال آن بیان شده یک نقض بنیادی آشکاری است که با مبنای فرهنگی و اعتقادی ما مغایرت دارد و بر اساس نظام تربیتی سکولار و لیبرال ایجاد شده نه با اصول و مبانی نظام تربیتی و دینی. این سند که با ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه توسط روسای دولت ها و نمایندگان بلند پایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد تصویب قرار گرفت و قرار شد که کشورهای عضو سازمان ملل این سند را اجرا کنند. لیکن اجرای این سند در ایران با یک سری اصول قانون اساسی ما در تعارض می باشد این سند دارای برنامه و خصوصیات بوده که با فرهنگ ایرانی اسلامی ما همخوانی ندارد و می تواند سبب فراهم کردن نفوذ دشمنان به ایران و همچنین مانع پیشرفت کشور ما که مبتنی بر عدالت به معنای خاص در منظومه اسلامی می باشد ایجاد شود. در حالی آموزش جنسی از تربیت جنسی متمایز است به این صورت که تربیت جنسی دایره ای وسیع تر از آموزش جنسی دارد.

تربیت زمینه سازی برای بروز و ظهور استعداد های گوناگون انسان می باشد و همه ابعاد وجودی انسان بایستی در فرآیند تربیت مدنظر قرار گیرند (۱۳۹۵، محمد جانی و همکاران به نقل از: ۲۰۱۲، گلشن).

اگرچه، تربیت جنبه های گوناگون دارد مانند تربیت دینی، اجتماعی و جنسی. اما در این بین، هر قدر که تربیت جنسی از اهمیت برخوردار است، به همان اندازه، مورد فراموشی و غفلت واقع شده است.

تربیت جنسی فرآیندی است که به واسطه آن اطلاعات و آگاهی های لازم درباره آناتومی بدن، تحولات جنسی و جسمی، فرآیندهای تولید نسل بشر و ... به نوجوانان داده می شود (۱۳۹۵، محمد جانی و همکاران به نقل از: ۲۰۰۱ ماندو کوندا).

تربیت جنسی، فرآیند کسب دانش و آگاهی های مرتبط با جنسیت و نوع می باشد به گونه ای که فرد بتواند بر آن اساس مسئولیت پذیری لازم در قبال تصمیم ها و رفتارهای جنسی را در همه مراحل سنی و زندگی داشته باشد (۱۳۹۵، محمد جانی و همکاران به نقل از: ۲۰۰۸، ارسر).

در تربیت جنسی به ارایه یک بینش کلی حاکم بر همه رفتارها و باید و نبایدهای آموزشی و تربیتی نیاز است به گونه ای که بین آن ها نوعی ارتباط، انسجام، نظم و هماهنگی ایجاد کند. این بینش، بنا به ماهیت خود، از منشای فراتر از تجربه و دید صرفا مادی سرچشمه می گیرد زیرا تجربه، در اصل " جزء نگر " است ولی بینش باید نظر گاهی " کل نگر " داشته باشد و از مقامی بالاتر بر انسان، رفتارها، آموزش ها و تربیت های او نظاره کند. این خلا بزرگی است که در آموزش و پرورش امروز احساس می شود و باید با روی آوردن به وحی و با اتکای به بینش کلی برگرفته شده از آن، به نظامی نو در تعلیم و تربیت دست یافت.

آموزش مقدمه تربیت می باشد و تربیت صد درصد مبتنی و متوقف بر آموزش نیست. آموزش عهده دار رشد دادن به بعد شناختی متری است تا استعدادهای خودش را در مورد امور جنسی آگاه و راه رسیدن به سعادت را از امکانات بهره برد و از طرف دیگر، به لغزش ها و پیامدهای منفی که از طریق مسائل جنسی برای وی پدید می آید شناخت پیدا کند و از

آن ها اجتناب نماید. (ثابت، ۱۳۹۰: ۴۵). با توجه به مطالب یاد شده این مقاله درصدد بررسی آسیب های سند ۲۰۳۰ بر تربیت جنسی کودکان در اسلام می باشد.

بحث تربیت جنسی که بخشی از تربیت به مفهوم عام است سابقه دیرینه دارد و از گذشته مورد توجه بوده به همان اندازه که تحولاتی در باب تربیت صورت گرفته به همان اندازه تربیت جنسی خودش تغییر و تحول قرار گرفته (ثابت، ۱۳۹۰: ۲۱).

در مورد تربیت جنسی در اسلام مقالات و کتب متعددی تهیه شده است به عنوان نمونه مقاله ی بررسی و تبیین روش های تربیت جنسی با تاکید بر دیدگاه اسلام از مریم سارخانلو و کتاب تربیت جنسی در اسلام از حافظ ثابت به چاپ رسیده است که این دو اثر فقط به بررسی تربیت جنسی پرداخته است. و بر اساس سند ۲۰۳۰ بررسی نشده است همچنین در مورد سند ۲۰۳۰ نیز بعد از ارائه آن مقالات متعددی نظیر سند ۲۰۳۰ و تاثیر آن بر فرهنگ و تمدن اسلامی ایران از محمد جواد حسن زاده و مقاله ی جایگاه آموزش و پرورش در پروژه نفوذ دشمن و واکاوی سند ۲۰۳۰ از محمد جواد عرب و محمد احمدی به چاپ رسیده است و این دو مقاله نیز فقط به بررسی سند ۲۰۳۰ پرداخته است و به مساله تربیت جنسی در اسلام مقاله یا کتابی که به هر دو موضوع با هم پرداخته شده باشد یافت نشده است با توجه به اهمیت موضوع و تاثیر سند ۲۰۳۰ در تربیت جنسی کودکان، محقق درصدد بررسی این دو متغیر باهم پرداخته است در صورتی که در کتاب ها و مقالات دیگر فقط به یکی از دو متغیر پرداخته شده بود. امید است که در این مقاله گامی مفید در زمینه آسیب های سند ۲۰۳۰ در تربیت جنسی در اسلام ارائه گردد (همان، ۲۳).

این پژوهش کیفی و کتابخانه ای است و پژوهشگر کوشیده است با مطالعه منابع مربوط به موضوع پژوهش آنها را توصیف، تجزیه و تحلیل کند و تلاش می کند داده ها را برای رسیدن به دیدگاهی در مورد تربیت جنسی با تکیه بر آموزه های دینی که از دیگر شاخص های روش شناختی این پژوهش است انگیزه های محقق را برای انجام پژوهش حاضر در بررسی آسیب ها و پیامدها در سند ۲۰۳۰ در مورد تربیت جنسی کودکان و ارائه تربیتی صحیح جنسی بر مبنای آموزش جنسی از دیدگاه اسلام می باشد.

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی آسیب های سند ۲۰۳۰ در تربیت جنسی کودکان در اسلام است و اهداف جزئی این مقاله عبارت است از چپستی تربیت جنسی در اسلام، پیامدهای انحراف جنسی، آسیب های سند ۲۰۳۰ در تربیت جنسی کودکان، راهکارها و چالش های تربیت جنسی است.

یافته های تحقیق

تربیت جنسی در اسلام

تعریف های متفاوتی در لغت و اصطلاح از تربیت شده است که غالباً مفهوم لغوی تربیت این است که از ریشه «ربو» می گیرند و با تعلیم همراه می دانند: در تعریف آن گفته شده که تربیت یعنی رویش و متورم شدن همراه با اضافی یا زیاد شدن و رشد کردن می باشد (همان، ص ۴۱).

تربیت در مفهوم اصطلاحی عبارتند از: پرورش دادن و به فعلیت رسانیدن استعدادها و ایجاد تعاون و هماهنگی میان آن استعدادها در جهت رشد و تکامل به سوی هدف های مطلوب براساس برنامه های منسجم می باشد. برای روشن تر شدن معنای تربیت بهتر است فرق تربیت و آموزش روشن گردد. تربیت به معنای رشد دادن می باشد درحالی که تعلیم و آموزش به معنای انتقال علوم و فنون به فراگیر است بنابراین تعلیم بیشتر بعد شناختن انسان در نظر می گیرد.

آیت الله مصباح یزدی در تبیین فرق آموزش و تربیت می گوید: تعلیم، یعنی معلم کار بکند که متعلم چیزی را یاد بگیرد و این مختص به موجودی است که درک و شعور دارد. مفهوم تربیت اوسع از آموزش است. باغبان هم درخت را تربیت می کند؛ یعنی مقدماتی را فراهم می کند تا این درخت به رشدی که می بایست برسد. بنابراین تربیت اعم از آموزش است؛ زیرا برای هر تربیتی به آموزش نیازمندیم. در واقع آموزش مقدمه تربیت به حساب می آید ایشان معتقد است که تعلیم در ابعاد غیر ذهنی هم مقدمه است؛ هم ابزار و وسیله است برای تربیت (ثابت، ۱۳۹۰؛ ۴۲-۴۳). تربیت جنسی، ارائه یک سلسله اطلاعات ضروری روان شناختی، جسمانی و دینی درباره مسائل جنسی مربوط به هر فرد است. در واقع می توان گفت تربیت جنسی شامل کلیه اطلاعاتی است که از دوران اولیه زندگی در جهت رشد متعادل و مناسب گزینه جنسی صورت می گیرد.

تربیت جنسی معنای وسیع تری از آموزش جنسی دارد. طرز تلقی ما در ایران از تربیت جنسی در برخی از جنبه ها با اندیشه غرب کاملاً متفاوت است. منظور ما از تربیت جنسی، پرورش، تعدیل و جهت دهی است نه پروردن و اوج دادن. به عنوان نمونه ما وجود شرم و حیاء در زمینه تربیت جنسی را یک اصل انسانی می دانیم و با آزادی و بی بند باری در زمینه جنسی کاملاً مخالف هستیم. (نظری، ۱۳۸۹).

تعریف های فراوانی برای تربیت جنسی مطرح شده است از جمله: ۱ « فراهم آوردن زمینه رشد گزینه جنسی، به گونه ای که ضمن استفاده لازم از این گزینه، از انحرافات و لغزش های جنسی نیز پیشگیری شود». ۲ « حافظ ثابت در تعریف جنسی می نویسد: منظور ما از تربیت جنسی، این است که زمینه ها و عواملی که مربوط به مسائل جنسی است، طوری فراهم شود که استعدادهای شخصی در جهت رسیدن به کمال اختیاری فرد، شکوفا شود و او را برای رسیدن به کمال مطلوب، یاری نماید» (فقیهی، ۱۳۹۱؛ ۱۹-۲۱).

بنابراین والدین باید بدانند که آموزش زود رس، شتاب زده و ناشیانه مسائل جنسی به کودکان به همان اندازه آسیب زاست که اگر این آموزش ها با تاخیر، پنهان سازی و یا نادیده گرفتن همراه باشد و این تربیت جنسی که امری تدریجی و مرحله به مرحله است که باید بر اساس ویژگی های کودکان و نوجوانان صورت گیرد و فراتر از احساس جنسی به رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی افراد نظر دارد. (نظری، ۱۳۸۹).

غریزه جنسی از نگاه اسلامی

غریزه جنسی در نظام تربیت جنسی اسلامی واقعیتی پذیرفته شده است. بنابر آیات و روایات برخی از کارکردهای غریزه جنسی از این شمار است:

- ۱- بقای نسل بشر: والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدة؛ « خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید و از راه همسرانتان فرزندان و نوادگانی برای شما خلق نمود».
- ۲- تامین آرامش: خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها؛ « خدای شما کسی است که از خود شما برایتان همسرانی آفرید تا در کنار آنان بیارامید».
- ۳- حفظ عفت: من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیتعفف بزوجه؛ « کسی که دوست دارد پاک و طاهر به لقای الهی نایل آید باید با انتخاب همسر، موجبات عفت و پاکی خود را فراهم آورد».

چگونگی هدایت غریزه جنسی در اسلام

غریزه جنسی کشش و جاذبه ای است که دو جنس مخالف را به هم نزدیک می کند و باعث تشکیل خانواده می شود. پس غریزه جنسی، زمینه ساز اجتماعات کوچک است و این اجتماعات، با گسترش تدریجی شکل می گیرد. عواطف، در میان اعضای خانواده به گونه ای تجلی می یابد که سبب ارتباط عاطفی میان اعضای آن می شود. نخستین اصلی که نیازهای عاطفی انسان را تامین می کند، اصل تامین نیازهای جنسی است؛ مهم ترین عاملی که زن و مرد را به هم نزدیک می سازد و زندگی مشترک و پیوند آن دو را ایجاد می کند. دومین عامل این هم بستگی پیدایی رابطه عاطفی میان زن و مرد است که آن دو را دلسوز یا حامی یکدیگر قرار می دهد. این رابطه عاطفی، به شکلی نیرومند و طبیعی، بین دو همسر به وجود می آید و می تواند تأثیری مهم در تامین مصالح کل خانواده ایفا کند. بنابراین، اگر به حکم عقل، زندگی خانوادگی ضرورت داشته باشد، بهترین عامل برای استحکام و بقای آن برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده نسبت به یکدیگر است همچنین رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، در عواطف خانوادگی ضروری است که باید در ضمن تقویت روابط خانوادگی و بنیاد خانواده، از بی توجهی، عدم احساس مسئولیت و کمبود محبت اعضای خانواده به یکدیگر دوری کرد. به هر حال، اساس زندگی خانوادگی از نگاه اسلام بر محبت استوار است. (یوسفی، ۱۳۸۹؛ ۵۹-۶۱).

چگونگی آموزش جنسی در غرب

امروزه دو نوع رویکرد بنیادی درباره آموزش جنسی در جهان غرب وجود دارد که دغدغه اصلی این رویکردها فراگیر کردن فساد جنسی است، این دو رویکرد عبارتند از: آموزش مستقیم و غیر مستقیم
رویکرد آموزش غیر مستقیم دو مسئله را به دانش آموزان می فهماند: نخست آنکه خویشتن داری تنها راه اجتناب از حاملگی، ایدز و سایر بیماری های مقاربتی است و دیگر آنکه اگر دانش آموزی نمی تواند خویشتن داری کند، می تواند با استفاده از کاندوم این خطر را کاهش دهد. الگوی مختلط که هم اکنون در بسیاری از مدارس دولتی و خصوصی در

عدالت آموزشی جنسیتی در سند ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران

در نظام حقوقی ایران، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از بالاترین اعتبار در بحث آموزش و پرورش برخوردار است. این موضوع صراحتاً در متن سند قید شده است: «... کلیه مصوبات و سیاست های قبلی در موارد مغایر با آن {سند تحول بنیادین آموزش و پرورش} منسوخ و بلا اثر و در سایر موارد بر اساس آن مورد بازنگری و اصلاح قرار می گیرد».

در مورد اعتبار سند ۲۰۳۰ باید گفت هر چند این سند توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، به عنوان عضوی از جامعه بین المللی، مورد تصویب قرار گرفته است؛ منتها به لحاظ این که سیر قانونی تصویب آن به موجب مقررات داخلی طی نشده است، به عنوان یک سند الزام آور در نظام حقوقی ایران مطرح نمی باشد. البته نباید از نظر دور داشت با توجه به تنظیم سند ملی ۲۰۳۰ توسط دولت ایران با همکاری دفتر سازمان یونسکو در ایران، محتوای این سند آثار خود را تا حدودی در نظام آموزشی ایران بر جای گذاشته است.

الف) رویکرد سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ جدید ترین سند بین المللی است که نگاهی ویژه به آموزش و عدالت آموزشی دارد. یکی از مهم ترین اهداف از دیدگاه این سند- که در بدو تدوین آن مورد توجه واقع شده است - بحث ریشه کنی فقر می باشد.^۱ در این سند با تکیه بر کرامت انسانی، سعی بر آن شده تا تمامی زمینه های موجد تمایز و النهایه زمینه ساز فقر، مورد شناسایی واقع شود و با وضع قواعد روشن سعی بر رفع آن باشد. دستیابی به عدالت اقتصادی، رفع تبعیض های نژادی، قومی و فرهنگی، ایجاد زمینه برای بهره مندی تمامی اقشار از فرصت های برابر و در نهایت نیل جوامع به توسعه در تمامی ابعاد و عدالت در تمامی زمینه های متصور برای آن از اهداف عمده ی این سند می باشد.

هر چند این سند تعریف دقیقی از عدالت آموزشی ارائه نداده است، منتها نیل به آن را یکی از مهم ترین اهداف خود قرار داده است.^۲ یکی از مهم ترین زمینه هایی که سند ۲۰۳۰ برای نیل به هدف کلی، یعنی عدالت آموزشی، مد نظر قرار داده است، دستیابی به عدالت جنسیتی است. با وجودی که عدم ارائه معنایی دقیق از مفهوم عدالت آموزشی به لحاظ ساختاری می تواند موجب ایجاد ابهام در محتوای مفهوم و تسری آن به زمینه های متصور برای عدالت آموزشی، مثل عدالت جنسیتی شود و به این لحاظ نقطه ضعفی برای این سند به حساب آید؛^۳

منتها این ضعف به لحاظ کاربردی چالش جدی را ایجاد نمی نماید. علت این موضوع نیز ارائه تصویر دقیق از معنای مد نظر سند ۲۰۳۰ در زمینه های عدالت آموزشی می باشد. توضیح بیشتر این که سند؛ معنای دقیق خود از عدالت آموزشی جنسیتی و سایر زمینه های عدالت آموزشی را به نحو روشن و بدون ابهام تبیین کرده است و این امر مانع حدوث برداشت های مختلف از این مفاهیم شده است. این مهم در خصوص عدالت آموزشی جنسیتی نیز صادق است.

در جای جای سند ۲۰۳۰ بر عدالت آموزشی جنسیتی تأکید شده است و در تمامی آنها تأکید بر عدالت و تساوی است؛ با بررسی این سند به وضوح مشخص است در تمامی مصادیقی که بحث از عدالت به میان می آید به نوعی تأکید اصلی بر تساوی است. به عبارت دیگر می توان گفت منظور تدوین - کنندگان سند از رفع تبعیض ها، حرکت در راستای نیل به برابری می باشد. لذا می توان نتیجه گرفت هر چند سند ۲۰۳۰ صراحتاً تعریفی از عدالت جنسیتی ارائه نداده است؛ منتها واضح است معنای مد نظر تدوین کنندگان سند از عدالت جنسیتی همان مساوات و برابری جنسیتی بوده است.

این دیدگاه همسو با تعاریفی است که عدالت را مرادف مساوات به کار می برند و اعتقاد به این ندارند که جنسیت می تواند از باب یکی از مصادیق "تبعیض روا" منشأ اثر بوده و متناسب با نیازها و نقش های جنسیتی تفاوت هایی در نحوه تخصیص منابع مرتبط با آموزش به همراه داشته باشد.

ب) رویکرد سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران

نظام حقوقی ایران نیز بسان تمامی نظام های حقوقی پیشرفته آموزش و پرورش، عدالت و عدالت آموزشی را به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار داده است. اصول سوم و نوزدهم از قانون اساسی بر عدالت آموزشی و رفع تبعیض ها تأکید دارند. به نظر می رسد قانون اساسی ایران قسمتی از تبعیض ها را ذیل عنوان "تبعیض های روا" مورد پذیرش قرار داده است. حدود، مرزها و ملاک های تفکیک تبعیض های روا از تبعیض های ناروا با ابهام های زیادی روبرو است که از حوصله ی بحث خارج می باشد.

مسأله عدالت آموزشی در کلیه زمینه های آن من جمله عدالت جنسیتی می باشد. مسأله عدالت آموزشی از جمله ایده هایی بود که در سال ۱۳۹۰ در سند تحول نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته شد. بررسی راهکارهای مطروح در سند تحول مبین این موضوع است که این سند، تأمین و بسط عدالت را متوجه رفع تبعیض مادی و معنوی میان مناطق محروم و مناطق برخوردار و توزیع عادلانه منابع و امکانات و نیز توجه به نیازها و نقش های جنسیتی در کنار توجه به ویژگی های شخصیتی دانش آموزان می داند. در این سند، توجه به تفاوت های فردی میان دو جنس دختر و پسر نیز به عنوان یکی از راهکارهای تحقق عدالت مورد توجه قرار گرفته است و طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش های دختران و پسران به عنوان یک راهکار بیان شده است. با وجودی که در این سند نیز عدالت آموزشی تعریف نشده ولی با توجه به مطالب فوق، به نظر می رسد که مفهوم عدالت جنسیتی، به معنای عدالت در زمینه اقتصادی، مکانی، منطقه ای و بیش از همه جنسیتی می باشد. در این سند، گاهی از واژه عدالت و گاهی مساوات، استفاده شده و به درستی مشخص نیست مقصود تدوین کنندگان از عدالت جنسیتی برابری جنسیتی است یا غیر آن.

به عقیده برخی، رجحان دغدغه های ایدئولوژیک و سیاسی بر دغدغه های مربوط به نیاز های واقعی دانش آموزان موجبات ضعف این سند و عدم توفیق آن در تعیین ملاک های دقیق عدالت جنسیتی را فراهم آورده است (یدالهی، ۱۳۹۸؛ به نقل از صبوری کارخانه، ۱۳۹۴: ۲۰۳). شاید این نظر صحیح باشد، منتها در هر صورت ارائه تعریف از مفهوم عدالت جنسیتی در هر نظام حقوقی ریشه در ایدئولوژی کلی مورد پذیرش در آن نظام حقوقی دارد؛ لذا به هیچ وجه نمی توان در تعریفی که از مفاهیم اصلی در یک موضوع ارائه می دهد از نظام ایدئولوژی معتقد به آن دور شود. این بحث در خصوص عدالت جنسیتی نیز صادق است. تحول بنیادین با توجه به وابستگی نظام حقوقی ایران به مبانی اسلامی نمی تواند فارغ از مبانی ایدئولوژی خود اقدام به ارائه تعریف نماید. منتها نکته مهم این است که موضوع مذکور، یعنی پایبندی به ایدئولوژی دینی، نمی تواند توجیهی برای مبهم باقی گذاشتن مفهوم عدالت جنسیتی قرار گیرد. در هر صورت قانونگذار می بایست صراحتاً معنای مد نظر خود از عدالت جنسیتی و همچنین معیار مورد نظر در خصوص زمینه های مجاز برای اعمال تبعیض های روا در این خصوص را به نحو روشن و واضح تعیین نماید.

متأسفانه در سند مورد بحث این موضوع مورد اغفال واقع شده است.

سند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده که با توجه به ماده ۲۳۰ برنامه پنجم توسعه تنظیم شده است، از تفاوت عدالت و مساوات سخن گفته و از این جهت با اسناد بین المللی تمایز دارد. در این سند همچنین خانواده و نقش همسری و مادری را محور قرار داده است. هر چند در این سند به پیشرفت های فردی زنان نیز توجه شده و همگام با اسناد بین المللی می باشد ولی محوریت با نقش زن در خانواده می باشد. در منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب و ۱۳۸۵/۱۱/۱۵ مجلس شورای اسلامی، عدالت جنسیتی را به رسمیت شناخته نه تساوی جنسیتی را؛ همچنین بیان داشته که توجه به تفاوت های دو جنس هم حق و هم مسئولیت زنان می باشد. توجه به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاست های بهبود وضع گذراندن اوقات فراغت زنان و دختران مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۲۰، سیاست های ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶، سند مهندسی فرهنگی کشور، سیاست های کلی خانواده که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است؛ همه نشان دهنده، تفاوت عدالت جنسیتی با مساوات جنسیتی بوده، همچنین نقش زن در خانواده را در اولویت قرار داده اند.

نتیجه گیری

غریزه جنسی، غریزه طبیعی است که در آفرینش انسان قرار داده شده و در پرتو یک سلسله مقررات دقیق و طبیعی، راه رشد و تکامل می پیماید از این رو، بلوغ جنسی در کودک و نوجوان در هر دوره یک سیر طبیعی دارد و هر گونه عدم توجه و مراقبت و محیط های نامناسب باعث ایجاد بلوغ زودرس می شود و این خود پیامدهایی به دنبال دارد. لذا باید به عواملی که بر رفتار جنسی فرد تأثیر می گذارد توجه شود. در این پژوهش به این نتیجه دست یافتیم که با حفظ قیود و شرایط باید تعادل روانی جامعه را حفظ کرد تا مشکلات جنسی جامعه رفع شود.

برای تربیت جنسی، فرد باید مرتب ورزش کند تا شاداب بماند و ایمان و اراده خودش را تقویت کند و به پاداش و کیفرهای خود توجه کند و از طرفی بر آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی هم تأکید شده که راهبرد کلان تربیتی آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین، کاهش و پیشگیری آسیب های کودکان و نوجوانان از هنجارشکنی است، چون آنها مثل جوان به ثبات شخصیت دست نیافته اند و به همین دلیل از حیث اجتماعی آسیب پذیرند. لذا آموزش و پرورش تلاش می کند تا از راه نظارت و مراقبت، گفت و گو، الگودهی و مشارکت دهی آنها را کنترل و دوران بحران سنی آنها را به نیکی مدیریت نماید. در این مقاله یافتیم که:

۱- تفاوت های دو جنس به تفاوت ها در ایفای نقش های جنسیتی می انجامد و این تصویر روشنی از باید ها و نبایدهای جنسی نشان می دهد.

۲- مراقبت های فردی مانند توجه به کرامت انسانی، مشارطه و محاسبه از جمله شیوه های تربیتی است که در احادیث برای پیشگیری از انحراف جنسی موثر دانسته شده است.

۳- در سند ۲۰۳۰ هدف اصلی دستیابی به تساوی در آموزش و عدم تأثیر جنسیت بر آن می یابد و به اهداف ماورایی هیچ توجهی ندارد و پیشرفت فردی و دستیابی به نیک بختی به معنای زندگی توأم با حداکثر رفاه را مبنا ی خود قرار داده است. درحالی که در سند تحول بنیادین هدف اصلی از آموزش را دستیابی بشر به زندگی مطلوب به معنای رسیدن به خداوند قرار داده است و در بعد مادی هدف سند تحول توجه به خانواده و تحکیم جایگاه آن در جامعه است.

۴- بر اساس نتایج بسیاری از تحقیقات، سند ۲۰۳۰ از نظامی ناعادلانه، تبعیض آمیز و به صورت خاص به نفع نظام سرمایه داری و کشورهای توسعه یافته است لذا ارزش های فرهنگی لیبرال را ذیل مفاهیم تساوی جنسیتی، توانمندسازی گروه های آسیب پذیر به عنوان اصول جهانی مینا قرار داده است. به این ترتیب سند ۲۰۳۰ هیچ گونه مطابقتی با نظام تربیتی آموزش و پرورش اسلامی ندارد و این سند بیشتر در جهت تحقق محورهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی لیبرال گام برداشته است.

منابع و مآخذ

- ۱- ساجدی، ابوالفضل و غلام حیدر کوشا، (۱۳۹۴)، تربیت اجتماعی در خانواده و شاخص های آن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، اول، قم، تابستان ۱۳۹۴
- ۲- ثابت، حافظ، (۱۳۸۵)، تربیت جنسی در اسلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پنجم، قم، تابستان ۱۳۹۰
- ۳- یوسفی، شهناز، (۱۳۸۹)، بازشناسی تربیت جنسی با رویکرد اسلامی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، اول، قم، بهار ۱۳۸۹
- ۴- فقیهی، علی نقی، (۱۳۸۷)، تربیت جنسی، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، پنجم، قم، ۱۳۹۱
- ۵- فقیهی، دکتر علی نقی، (۱۳۸۷)، بررسی احادیث در زمینه راهکارهای تربیتی به منظور پیشگیری از رفتارهای ناپهناجر جنسی نوجوانان و جوانان، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، ش ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۷-۵۶
- ۶- مقدادی، محمد مهدی و مریم جوادپور، (۱۳۹۵)، پیشگیری از آسیب های جنسی کودکان در اسلام، دانشگاه مفید و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، قم و اهواز
- ۷- یدالهی، انور و همکاران، (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی رویکرد سند ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران به عدالت آموزشی جنسیتی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، بیست و یکم، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۸
- ۸- محمد جانی، صدیقه و همکاران، (۱۳۹۵)، الگوی برنامه درسی تربیت جنسی برای دوره نوجوانی بر اساس مبانی قرآن و روایت های معصومین، فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، هفتم، شماره ۳، پاییز ۹۵
- ۹- کلهر، سینا، (۱۳۹۹)، ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰. بررسی سند دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، گروه توسعه نظری و مطالعات بنیادین
- ۱۰- اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار، پور اصغر سنگاچین، فرزاد، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۳۹۴
- ۱۱- آرمان و اهداف توسعه هزاره، ترجمه سید مهدی آرای و همکاران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۴.
- ۱۲- چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۵.
- ۱۳- نهج البلاغه (۱۳۸۱)، ترجمه محمد دشتی، قم: موسسه تحقیقاتی امیر المومنین(ع).
- ۱۴- صبوری کارخانه، حسین، (۱۳۹۴)، نقادی و اصلاح رویکرد، گام نخست نظام آموزشی عدالت محور، اولین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی (دانشگاه شریف)، تهران: نشر ترمه
- ۱۵- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی .

۱۶- نظری، ندا، (۱۳۹۸)، راهنمای کاربردی تربیت جنسی کودک و نوجوان، آفتاب گیتی، تهران: ۱۳۹۸
 ۱۷- وکیلی، خاتون، (۱۴۰۰)، تهدیدات نرم سند ۲۰۳۰ و ارائه الگوی بومی ایرانی-اسلامی در حوزه آموزش و پرورش
 دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۴-۶۵*****

- 1) behavior of school-going adolescents in Ilorin, Nigeria. African Health Sciences, Vol 8 No 2 ,pp 120-126 .
- 2) Curriculum. Tehran: YadvareKetab. (in persiabn)
- 3) Esere, O. M. (2008). Effect of sex education programme on at-risk sexual
- 4) Gholtash, A. (2012). Citizenship Education: Approaches, Views and
- 5) Maduakonam, A. (2001). Sex education in schools: A panacea for adolescent
- 6) sexuality Problems. In R. U. N. Okonkwo&RomyOkoye (Eds.). The Nigerian Adolescent. In Perspective. Awka: Theo Onwuka and Sons Publishers, pp 74-82.